



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه

پایه :	۱	موضوع :	نحو ۱
تاریخ :	۹۰/۳/۲۱	ساعت :	۱۰/۳۰

نامه کتاب: هدایه از الخاتمه فی التوابع تا آخر و کل کتاب صمدیه

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریفی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریفی ۲ نمره)

تستی:

- عبارت «تثبت الحكم لأحد الأمرين معيّنًا» بر کدام یک از حروف زیر صدق می‌کند؟ ا هدایه/۶۱۱
 ا. أم ■ ب. إن ج. نَعَمْ د. بل
- در کدام مثال، نمی‌توان مفعول را بر فاعل مقدم کرد؟ ج ۴۵۴۱
 ا. غَفَرَ رَبِّي أَبِي ب. ضرب زيدُ ابنَهُ ج. إِنَّمَا ضرب زيدٌ عمرًا ■ د. أكرم إبنی أُمِّي
- ولا يعطف على معمولی عاملین مختلفین علی المشهور إلاّ فی نحو: د ۵۲۸
 ا. زيدٌ فی الدارِ وعمرُو الحجرةِ ب. ضرب زيدٌ عمرًا وبكرٌ خالدًا
 ج. إلى زيدٍ نَظَرَ عمروٌ و بكرٌ خالدٌ د. فی الكوزِ الماءُ والكأسُ العسلُ ■
- «ويعمل المصدر عمل فعله مطلقاً إلاّ إذا كان مفعولاً مطلقاً إلاّ إذا كان بدلاً عن الفعل فوجهان»؛ با توجه به عبارت، کدام گزینه صحیح است؟ ج ۵۳۶
 ا. مصدر اگر مفعول مطلق باشد، مطلقاً عمل نمی‌کند
 ب. در مصدر مفعول مطلق که بدل از فعل نباشد، دو وجه جایز است
 ج. مصدر مفعول مطلق که بدل از فعل نباشد، عمل نمی‌کند ■
 د. مصدر عمل می‌کند مگر در دو صورت: ۱. مفعول مطلق باشد، ۲. بدل از فعل باشد

تشریحی:

- نقش کلمه «کم» در جملات زیر چیست؟ هدایه/۱۱۸
 ا. کم یوماً سفرک: ج. خبر ب. کم یوماً سرت: ج. مفعول فیه
 ج. کم ضربةً ضربت: ج. مفعول مطلق د. کم رجلاً ضربت: ج. مفعول به

- ا. هر کدام از مثال‌های زیر بیانگر کدام خصوصیت از خصوصیات افعال قلوب است؟ هدایه/۱۴۳
 - علمتُنی منطلقاً: ج. جایز است دو مفعول افعال قلوب، ضمیر متصل از یک شیء باشند.
 - زيدٌ قائمٌ ظننت: ج. الغاء.
 - علمت لزیدٌ منطلق: ج. تعلیق.

ب. یک خصوصیت دیگر افعال قلوب را بنویسید.

نمی‌توان یکی از مفعول‌های آن را حذف کرد.

۳. هر عبارت، مربوط به کدام یک از حروف جواب است؟ هدایه/۱۶۲

- ا. لتقریر کلام سابق مثبتاً کان أو منفياً
ب. للاثبات بعد الاستفهام ویلزمها هل
ج. تختصّ بإیجاب نفی بعد الاستفهام أو الخبر
د. لتصدیق الخبر
ج. نعم
ج. ای
ج. بلی
ج. إن، جئراً أجل و نعم (ذکر یک مورد کافیست)

۴. در هر ردیف، با ذکر دلیل مشخص کنید کدام عبارت غلط است؟

- ا. أزيد قام - هل زيد قام
ب. آتیک إن طلعت الشمس - آتیک إذا طلعت الشمس
دومی صحیح نیست؛ زیرا «هل» براسمی که بعد از آن، فعل بیاید،
داخل نمی‌شود. (هدایه/۱۶۹)
اولی صحیح نیست؛ چون «إن» فقط در امور مشکوک استعمال دارد،
نه در امور قطعی. (هدایه/۱۷۰)

۵. عبارات زیر را در ضمن مثال توضیح دهید.

- ا. فعل الأمر یبنی علی ما یجزم به مضارعه:
ج. هر صیغه فعل امر، مبنی بر آن چیزی است که علامت جزم همان صیغه فعل مضارع است؛ مثلاً
«اضرب» مبنی بر سکون است؛ چون علامت جزم صیغه ۷ فعل مضارع سکون است. (ص ۴۴۲)
ب. ولا یسوغ الضمیر المنفصل إلا لتعذر المتصل:
ج. فقط در جایی می‌توان از ضمیر منفصل استفاده کرد که امکان استفاده از ضمیر منفصل نباشد؛
مانند «هوَ زید» که ضمیر «هو» چون در ابتدای کلام آمده و نمی‌توان به جایش ضمیر متصل استفاده
کرد، آمدنش به صورت منفصل جایز است. (۵۱۳)

۶. ا. در مقابل حال منتقله و حال مقارنه، چه نوع حالی وجود دارد؟ ب. دو موضع از مواضعی را بنویسید که آمدن حال از مضاف الیه در آنها جایز است. ۴۸۱-۴۸۰
ا. حال ثابتة و حال مقدرة.

ب. ۱. در صورتی که بتوان مضاف الیه را در جای مضاف قرار داد. ۲. مضاف بعضی از مضاف الیه باشد. ۳. مضاف عامل در حال باشد.

۷. از بین مثال‌های داده شده، مثال مناسب هر جای خالی را پیدا کنید. ۴۹۴ و ۴۹۶

وإن ذکر المستثنی منه فإن کان الکلام موجباً نصب نحو و إلا فإن کان متصلاً فالأحسن اتباعه علی اللفظ نحو وإن تعذر فعلی المحلّ نحو
وإن کان منقطعاً فالحجازیون یوجبون النصب نحو

- ا. رأیت القومَ إلا حماراً
ب. ما رأیتُ إلا زیداً
ج. ما فعلوه إلا قلیل
د. لا إله إلا الله
هـ. ما جاء القومُ إلا حماراً
و. ما جاءنی القومُ إلا حماراً

جواب: الف - ج - د - و

* کلّ جزاء یمتنع جعله شرطاً فالفاء لازمة له. ۵۶۱-۵۶۲

۸. أ. عبارت را توضیح دهید. ب. دو مصداق از مصادیق آن را مشخص کنید.

أ. هر جمله جزایی که قابلیت این را ندارد که جمله شرط واقع شود، لازم است بر سر آن فاء بیاید.

ب. ۱. جمله اسمیه. ۲. جمله انشائیة. ۳. جمله فعلیه مصدر به فعل جامد. ۴. جمله فعلیه مصدر به ماضی مقرون به قد. (صمدیه ۵۶۱ و ۵۶۲) ۵. مضارع منفی به غیر لا. (هدایه/۱۳۹)

۹. نوع جملات زیر را مشخص کرده، محلّ اعراب هر کدام را بررسی کنید.

أ. واذکروا إذ أنتم قلیلون:

ج. جمله مضاف الیه، محلاً مجرور (صمدیه/۵۷۹)

ب. إنّ مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب:

ج. جمله مفسره، محلی از اعراب ندارد. (صمدیه/۵۸۴)

ج. واتّقوا یوماً ترجعون فیہ إلی الله:

ج. جمله وصفیه، محلاً منصوب (صمدیه/۵۸۰)

د. وإنّ تصیبهם سیئة بما قدّمت أیدیهم إذا هم یقنطون:

ج. جمله جواب شرط، محلاً مجزوم (صمدیه/۵۷۹)